

فرم گردآوری اطلاعات پایان نامه‌ها
کتابخانه مرکزی دانشگاه علامه طباطبائی

عنوان: بررسی تحلیلی و تطبیقی بن مایه‌های صلح و دوستی در اشعار فریدون مشیری و محمود درویش	
نویسنده: محمد امامی	
مترجم:	
استاد راهنما: دکتر محمدحسن حسن‌زاده نیری	
استاد مشاور: دکتر نعمت الله ایران‌زاده	
استاد داور: دکتر غلامرضا مستعلی پارسا	
کتابنامه: دارد	واژه نامه: ندارد
نوع پایان نامه: <input type="checkbox"/> بنیادی: <input type="checkbox"/> توسعه ای: <input type="checkbox"/> کاربردی: <input type="checkbox"/>	
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد	سال تحصیلی: ۹۰-۹۱
محل تحصیل: تهران	نام دانشگاه: علامه طباطبائی
محل تحصیل: تهران	دانشکده: ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی
تعداد صفحات: ۱۱۰	گروه آموزشی: زبان و ادبیات فارسی
کلید واژه‌ها به زبان فارسی: فریدون مشیری، محمود درویش، بن مایه، صلح و دوستی، جنگ، شعر فارسی، شعر عربی، ادبیات تطبیقی (مکتب آمریکایی)	
کلید واژه‌ها به زبان انگلیسی: Moshiri-Darvish-Motif-Peace&Hount-War-Persian Poem -Arabic Poem--Comparative Literature	

چکیده

الف) موضوع و طرح مسئله (اهمیت موضوع و هدف):

موضوع: بررسی تحلیلی و تطبیقی بن مایه های صلح و دوستی در اشعار درویش و مشیری
تطبیق اشعار دو شاعر که حول محور صلح و دوستی می‌گنجد بر اساس مکتب ادبیات تطبیقی
آمریکایی

بیان مشابهت‌ها و تفاوت‌ها در موضوع صلح و دوستی و جنگ.

ب) مبانی نظری شامل مرور مختصری از منابع، چهارچوب نظری و پرسش‌ها و فرضیه‌ها:

منابع دست اول شامل کلیات و دیوان اشعار شاعران مورد تحقیق رساله. نخستین پرسش رساله این
است که شاعران مذکور با چه شگرد و تکنیکی به مفاهیمی مانند صلح و دوستی بیان هنری و ادبی
داده‌اند؟

پ) روش تحقیق شامل: تعریف مفاهیم، روش تحقیق، جامعه‌ی مورد تحقیق، نمونه گیری و روش‌های

نمونه گیری، ابزار اندازه گیری، نحوه‌ی اجرای آن، شیوه‌ی گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها:

روش تحقیق: ابتدا دیوان هر دو شاعر به صورت دقیق مطالعه شده است. سپس بعد از فیش‌برداری از
بن‌مایه‌ها و مفاهیم مورد نظر، مورد تحلیل و تطبیق قرار گرفته‌اند.

ت) یافته‌های تحقیق: هر دو شاعر در اشعارشان به صلح و دوستی توجه خاصی داشته‌اند و از جنگ و

خشونت ابراز نفرت کرده‌اند. مشیری با زبان نرم و لطیف و ساده‌ی خود دارای اندیشه‌های بشر

دوستی و صلح‌طلبانه‌ای است و درویش نیز از صلح استقبال کرده است هرچند به تحقق صلح واقعی

در شرایط محاصره و اسارت بسیار بدبین است.

ث) نتیجه‌گیری: هر دو شاعر از بازیچه قرار گرفتن صلح و دوستی انتقاد کرده‌اند و در شعرشان توجه

خاصی به این مسئله کرده‌اند. مشیری برای بیان صلح و دوستی از آرایه‌های تشبیه و تناسب بیشتر

بهره گرفته است در حالی که درویش برای پرداخت موضوع از نماد بیشتر استفاده کرده است.

صحت اطلاعات مندرج در این فرم بر اساس محتوی پایان‌نامه و ضوابط مندرج در فرم را
گواهی می‌نماییم.

استاد راهنما:

سمت علمی:

رئیس کتابخانه: نام دانشکده: دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۸-۱۰
فصل اول	
تمهید مسئله، کلیات و بیان مفاهیم.....	۱۱
مفهوم ادبیات تطبیقی.....	۱۲-۱۳
مکتب‌های ادبیات تطبیقی.....	۱۳-۱۴
بن مایه.....	۱۵
تصویر.....	۱۵
زندگی‌نامه‌ی مشیری.....	۱۶
آثار مشیری.....	۱۶
مراحل شعری مشیری.....	۱۶-۱۷
نگاهی کلی به شعر و اندیشه‌ی مشیری.....	۱۸-۲۰
زندگی‌نامه‌ی درویش.....	۲۱
آثار درویش.....	۲۱-۲۲
مراحل شعری درویش.....	۲۳
نگاهی کلی به شعر و اندیشه‌ی درویش.....	۲۳-۲۵
فصل دوم	
صلح در قرآن.....	۳۰-۳۳
صلح در ادب فارسی و عربی.....	۳۳-۳۸
فصل سوم	
مفهوم صلح و دوستی در شعر مشیری.....	۴۰-۴۸
عشق و دوستی در سروده‌های مشیری.....	۴۹-۵۵
آرامش در شعر مشیری.....	۵۵-۵۸
جنگ‌ستیزی و پاسداری از صلح در شعر مشیری.....	۵۹-۶۵
مفهوم صلح و دوستی در شعر درویش.....	۶۶-۷۷

۷۸-۸۰	جنگ‌ستیزی و پاسداری از صلح در شعر درویش
۸۱-۸۳	بررسی تطبیقی بن‌مایه‌های صلح و دوستی
۸۴	جدول ۱
۸۵	جدول ۲
۸۶	جدول ۳
۸۷-۸۸	جدول ۴
۸۹	جدول ۵
۹۰	جدول ۶
۹۱	جدول ۷
۹۲-۹۳	جدول ۸
۹۴-۹۶	نتیجه‌گیری
۹۷-۱۰۲	پیوست اشعار عربی
۱۰۳-۱۰۵	فهرست منابع

چکیده

فریدون مشیری و محمود درویش، از شاعران متعهد معاصر فارسی و عربی هستند. عشق و دوستی، بیان رنج‌ها و مصائب انسان، جنگ‌ستیزی و دوری از خشونت و حق‌خواهی و ظلم‌ستیزی، ادب‌پایداری و مقاومت از بارزترین مضامین شعری این دو شاعر است. اما شاید بتوان گفت ستایش صلح و نکوهش جنگ و نفی خشونت و ریا و هم‌نوایی با انسان‌دربند، از عناصر غالب اشعار این دو شاعر باشد. در این رساله بر اساس مکتب ادبیات تطبیقی آمریکایی، که شرط ورود به تطبیق‌گری را تأثیر و تأثر تاریخی نمی‌داند، به تحلیل و بررسی و مقایسه‌ی بن‌مایه‌های صلح و دوستی در اشعار این دو شاعر پرداخته‌ایم. مهم‌ترین سؤالات رساله این است که این دو شاعر در شعرشان با چه نگرش و دیدگاهی به مفاهیمی مانند صلح و دوستی، عشق، مسالمت و همزیستی، برابری و برادری و نفی ریا و جنگ اشاره کرده‌اند؟ و آیا نحوه‌ی بیان این دیدگاه‌ها باهم مشترک است یا متفاوت است؟ این دو شاعر از چه امکانات و شگردهایی در بیان این مفاهیم استفاده کرده‌اند؟ در این رساله سعی خواهیم کرد به این پرسش‌ها پاسخ دهیم. رساله به طور کلی از سه فصل تشکیل شده است: فصل اول شامل کلیات، تعاریف و بیان مسئله می‌باشد. فصل دوم به بررسی مفهوم صلح و دوستی در قرآن و ادب فارسی و عربی اشاره دارد و فصل سوم به تحلیل و بررسی تطبیقی بن‌مایه‌ها و مفاهیم صلح و دوستی در شعر مشیری و درویش می‌پردازد.

کلید واژه‌ها: فریدون مشیری، محمود درویش، بن‌مایه، صلح و دوستی، جنگ، شعر فارسی، شعر عربی، ادبیات تطبیقی (مکتب آمریکایی).

پیش‌گفتار

مفهوم ادبیات تطبیقی از دیدگاه مکتب آمریکایی، دامنه‌ی گسترده‌تری پیدا می‌کند و انواع اشتراکات آثار، فارغ از ارتباط‌ها و تأثیر و تأثر تاریخی، مورد توجه قرار می‌گیرد. بر اساس این مکتب، ادبیات تطبیقی مطالعه‌ی ادبیات، فراتر از محدوده‌ی یک کشور خاص است. از یک سو به مطالعه‌ی روابط میان ادبیات‌ها، و از سوی دیگر به مطالعه‌ی ادبیات با سایر دانش‌ها از قبیل هنر، فلسفه، تاریخ، روان‌شناسی، علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و ... می‌پردازد. به طور خلاصه ادبیات تطبیقی مقایسه‌ی میان ادبیات یک قوم با دیگر اقوام یا سایر حوزه‌های تجلیات علمی و ذوقی انسانی است. در ادبیات تطبیقی، بیش از هر چیز می‌توان به نقاط وحدت اندیشه‌ی بشری پی‌برد که چگونه اندیشه‌ای در نقطه‌ای از جهان توسط اندیشمندی، ادیبی و یا شاعری مطرح می‌شود و در نقطه‌ی دیگر همان اندیشه به گونه‌ای دیگر مجال بروز می‌یابد. این سخن درستی است که ادبیات هر کشوری بخش مهمی از ملی‌ترین عناصر فرهنگی همان کشور است، اما همین ادبیات ملی، عناصر مشترک بسیاری با ادبیات سایر کشورها دارد. شناسایی و ثبت این رگه‌های مشترک ادبی، جز از راه تطبیق و مقایسه حاصل نمی‌گردد در جریان چنین مقایسه‌ای زمینه‌های مساعدی برای تعامل و آشنایی با دیگر فرهنگ‌ها و ادبیات دیگر کشورها به وجود می‌آید.

شعر کلاسیک عربی در گذشته با زبان و ادبیات فارسی ارتباط نزدیک و تنگاتنگی داشته است و در بسیاری از اشعار عربی رگه‌هایی از تأثیر فرهنگ و ادبیات فارسی و عربی بر یکدیگر دیده می‌شود. شعر معاصر عربی و فارسی اگر چه مانند گذشته، پیوند خود را تا حدودی بر اثر توجه و ارتباط با ادبیات غرب از دست داده است، ولی هنوز از بسیاری جهات دارای همانندی‌هاست. یکی از موضوع‌هایی که در این دو ادبیات، قابل بررسی و تحلیل و مقایسه است، رویکردهای اجتماعی در شعر است. شاعر معاصر نسبت به مسائلی که در پیرامون اجتماع خود اتفاق می‌افتد بی‌خبر نبوده، و خود را در برابر اجتماع، انسان و درد و رنج‌های آن متعهد می‌داند. توجه به مسائل اجتماعی چون ستایش صلح، نفی جنگ و اعلام موضع در برابر کشتار انسان‌ها، ظلم‌ستیزی و نفی ریا و لزوم یاری رساندن و مهربانی به دیگران یکی از ویژگی‌های برجسته‌ی شعر مشیری و درویش، از شاعران معاصر ایرانی و فلسطینی است. در نگاه هنری و شاعرانه‌ی این دو شاعر، جنگ همیشه شوم و صلح همیشه دلنشین و زیباست. در این رساله سعی خواهیم کرد از رهگذار ادبیات تطبیقی مکتب آمریکایی، به بیان و مقایسه و تحلیل این دیدگاه‌ها در شعر این دو شاعر بپردازیم. مهم‌ترین سؤالات رساله این است که این دو شاعر در شعرشان با چه نگرش و دیدگاهی به

مفاهیمی مانند صلح و دوستی، عشق، مسالمت و همزیستی، برابری و برادری و نفی ریا و جنگ اشاره کرده‌اند؟ و آیا نحوه‌ی بیان این دیدگاه‌ها باهم مشترک است یا متفاوت است؟ این دو شاعر از چه امکانات و شگردهایی در بیان این مفاهیم استفاده کرده‌اند؟ در ادامه سعی خواهیم کرد به این پرسش‌ها پاسخ دهیم.

شایان ذکر است قبل از معرفی رساله، به تحقیقاتی که پیشتر راجع به موضوع رساله انجام شده یا حداقل با موضوع رساله پیوند دارد معرفی نماییم. از میان تحقیق‌های پیرامون شعر درویش، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

کتاب‌ها: در این کتاب‌ها، شمه‌ای از زندگی، شعر و تحلیل بعضی از اشعار درویش آمده است: اسوار، موسی. (۱۳۸۱) از سرود گل تا مزامیر گل سرخ: پیشگامان شعر امروز عرب. تهران: سخن. امین پور، قیصر. (۱۳۸۶) دستور زبان عشق. تهران: مروارید. درویش، محمود. (۱۳۸۹) اگر باران نیستی نازنین درخت باش. برگردان: موسی اسوار، تهران: سخن. درویش، محمود (۱۳۵۸). آخر شب. برگردان: موسی اسوار، تهران: سروش. درویش، محمود. (۱۳۹۰) تابستان عاشقان. ترجمه‌ی عبدالرضا رضائی‌نیا، تهران: فصل پنجم. درویش، محمود. (۱۳۸۵) من یوسفم پدر. ترجمه‌ی عبدالرضا رضائی‌نیا، تهران: نشر مرکز. مقاله‌ها: در این مقاله‌ها ویژگی‌های شعر درویش از دیدگاه‌های مختلفی بررسی شده است که بخش‌های کمی از این تحقیق‌ها با موضوع ما در این رساله نیز پیوند دارد:

قائم‌ی، مرتضی. صمدی، مجید. (۱۳۸۹) «بررسی کاربرد رنگ‌ها در تصویرپردازی محمود درویش از مقاومت فلسطینی». نشریه‌ی ادبیات پایداری، دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال اول، شماره‌ی دوم، بهار، صص ۲۶۳-۲۸۷.

محسنی، علی‌اکبر. امیریان، طیبه. (۱۳۹۰) «بررسی اندیشه‌ی مرگ و زندگی در شعر محمود درویش». فصلنامه‌ی نقد و ادبیات تطبیقی (پژوهش‌های زبان و ادبیات عرب)، سال اول، شماره‌ی یک، خرداد، صص ۴۶-۷۴.

نجاریان، محمدرضا. (۱۳۸۸) «بن‌مایه‌های ادبیات پایداری در شعر محمود درویش». نشریه‌ی ادبیات پایداری، دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال اول، شماره‌ی اول، پاییز، صص ۲۰۲-۲۲۲.

از میان تحقیق‌های پیرامون شعر مشیری، به منابع زیر می‌توان اشاره کرد:

کتاب‌ها:

شاکری یکتا، محمدعلی. (۱۳۸۴) آسمانی‌تر از نام خورشید؛ زندگی و شعر فریدون مشیری، تهران: ثالث.

مشیری، فریدون. (۱۳۷۸) به نرمی باران (جشن نامه مشیری؛ دیدگاه‌ها، تحلیل شعر و نمونه شعرها). به کوشش علی دهباشی، تهران: سخن، شهاب ثاقب.

مقاله‌ها:

شریفیان، مهدی. (۱۳۸۷) «بررسی فرآیند نوستالژی غم غربت در اشعار فریدون مشیری». فصلنامه‌ی علمی-پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء (س)، سال هفدهم و هجدهم، شماره‌ی ۶۸ و ۶۹، زمستان و بهار، صص ۶۴-۸۵.

روش کار پایان‌نامه در بخش عملی به این شکل است که ابتدا تمام شعرهای دو شاعر که حول محور صلح و دوستی و صفا و نفی ریا و جنگ و غیره بوده است، به ترتیب اهمیت گردآوری شده است. سپس دیدگاه کلی هر دو شاعر درباره‌ی این درون‌مایه‌ها با توجه به اشعار مستقیم یا غیرمستقیم آنها توضیح داده شده است در مرحله‌ی بعد چگونگی پرداخت این موضوعات بررسی شده است. بدیهی است در بررسی شعرها هدف، تنها بازگو کردن اندیشه یا طرح موضوعی از سوی شاعران نبوده است بلکه به دنبال این بوده‌ایم که شاعران مذکور با چه تکنیک و شگردهایی این موضوعات را پرورانده‌اند. به همین خاطر در بررسی و تحلیل‌ها از مسائل سبک‌شناسی و بلاغی بهره برده‌ایم. بخش تطبیق - همانطور که در ادامه ذکر کرده‌ایم - شامل دو بخش صوری و محتوایی است که در قسمت محتوایی از اشتراکات و اختلافات شعر دو شاعر در موضوعات مختلف بحث شده است و در قسمت صوری از چگونگی پرداختن دو شاعر به درون‌مایه‌ی صلح و دوستی سخن به میان آمده است همچنین بخش تطبیق این دو قسمت را در غالب جدول‌های گوناگون و تعیین بسامد هر یک بیان کرده‌ایم.

فصل اول

تمهید مسئله

کلیات

تعاریف و بیان مفاهیم

این گفتار، که به شرح و توضیح چند اصطلاح مهم اختصاص یافته است، اگر چه در ظاهر کوتاه و فشرده است، در حقیقت در ساختار کلی پژوهش جایگاه با اهمیتی دارد. تعاریف ارائه شده در این قسمت، راهگشای بسیاری از مباحثی است که در ادامه و روند این پایان نامه از آن‌ها استفاده خواهد شد. به همین جهت و نیز برای اینکه پاسخ پرسش‌های احتمالی و مقدری که در ادامه‌ی کار مطرح می‌شود، ذکر شده باشد به کوتاهی تعریف و توضیح این چند اصطلاح ذکر می‌شود.

مفهوم ادبیات تطبیقی

بحث کردن درباره‌ی ادبیات تطبیقی، اصول و مبانی و مکتب‌ها و شاخه‌ها و سایر موضوعات اساسی آن بدون بیان تعریف روشنی از آن، ممکن نیست. ابتدا باید تعریف نسبتاً یکسان و روشنی از آن ذکر شود و سپس موضوعات مربوط به آن مورد بررسی قرار گیرد. از این رو ابتدا برخی از تعاریف منابع گوناگون را به اختصار نقل کنیم، سپس تلاش شود، تعریف روشنی و جامعی بیان کنیم.

«ادبیات تطبیقی یا ادب تطبیقی در زبان عربی آن را «الأدب المقارن» گویند و در زبان انگلیسی comparative literature و در زبان فرانسوی literature compare می‌خوانند که عبارت است از تحقیق در باب روابط و مناسبات بین ادبیات ملل جهان و نظارت بر تمام مبادلات و معاملات فکری و ادبی که از سرحد قلمرو زبان قومی به اقوام دور و نزدیک روی می‌دهد، اشاره دارد» (غنیمی هلال، ۱۳۷۳: ۳۱). تعاریف متعدد و متفاوتی از این رشته‌ی ادبی وجود دارد؛ نگاهی به این تعاریف تا حدودی به ماهیت و معرفی این رشته اشاره دارد:

- ادبیات تطبیقی، بررسی روابط تاریخی ادبیات ملی با ادبیات دیگر زبان‌هاست. (ندا، ۱۳۸۳: ۲۵).
- «ادبیات تطبیقی به بررسی تلاقی ادبیات در زبان‌های مختلف و روابط پیچیده‌ی آن در گذشته و حال و روابط تاریخی آن از حیث تأثیر و تأثر در حوزه‌های هنری، مکاتب ادبی، جریان‌های فکری، موضوع‌ها، افراد و... می‌پردازد» (کفافی، ۱۳۸۲: ۷).

- «ادبیات تطبیقی شاخه‌ای است از نقد ادبی که از روابط ادبی ملل مختلف با هم و از انعکاس ادبیات ملتی در ادبیات ملت دیگر سخن می‌گوید». (فرشیدورد، ۱۳۷۳: ۸۰۸).

- «کادن در فرهنگ ادبیات و نقد می‌نویسد: ادبیات تطبیقی آزمودن و تحلیل ارتباط‌ها و همانندی‌های ادبیات اقوام و ملل گوناگون است. مطالعه‌ی تطبیقی ادبیات، مثل مطالعه‌ی تطبیقی مذاهب، کار نسبتاً تازه‌ای است و قبل از قرن نوزدهم به ندرت سابقه‌ای از آن وجود دارد» (کادن، ۱۹۸۴: ذیل

comparative literature).^۱

بسیاری از محققانی که راجع به ادبیات تطبیقی سخن گفته‌اند هنوز در تعریفی جامع به تفاهم نرسیده، و اتفاق نظر ندارند. شاید یکی از دلایلی که باعث این امر شده است، وجود مکتب‌ها و نحله‌های متفاوت این شاخه از ادبیات باشد که هر محققی بر اساس آرای مکتب خود به تعریفی از ادبیات تطبیقی پرداخته است. اما به اختصار و ساده و از میان تعاریف متعدد، می‌توان ادبیات تطبیقی را گونه‌ای از نقد ادبی به حساب آورد که فراتر از مرزها و زبان‌ها، ادبیات دو کشور را گاه، از نظر تأثیر و تأثر یکدیگر و گاه از ارتباط بین هنرها با ادبیات مورد ارزیابی و تحلیل قرار می‌دهد. در ایران کتاب‌های زیادی راجع به ادبیات تطبیقی ترجمه و تألیف شده‌اند که هر کدام به پیوند مؤلفش با مکتب خاصی از ادبیات تطبیقی حکایت دارد.^۲

سابقه‌ی ادبیات تطبیقی در ایران به تأسیس کرسی ادبیات تطبیقی در دانشگاه تهران - که برخی آن را «سنجش ادبیات» می‌نامیدند - توسط فاطمه سیاح که در سال ۱۳۱۷ فعالیت علمی خود را آغاز کرد، باز می‌گردد (انوشیروانی، ۱۳۸۹: ۱۰). این رشته در مدت کوتاهی که از تأسیسش می‌گذشت پس از مرگ سیاح تعطیل شد. اما در سال ۱۳۸۸ گرایش ادبیات تطبیقی فارسی و عربی در سطح کارشناسی ارشد در دانشگاه‌های مختلف، دوباره راه‌اندازی شد.^۳

اهمیت ادبیات تطبیقی در عرصه‌های ملی و جهانی بسیار سودمند است. در عرصه‌ی ملی، آشنایی با ادبیات دیگر کشورها و مقایسه‌ی آن با ادبیات خویش به کاهش تعصب بی‌مورد نسبت به زبان و ادبیات ملی می‌انجامد. (ندا، ۱۳۸۳: ۳۲). ادبیات تطبیقی ابزاری برای ترسیم، توصیف و دسته‌بندی دیدگاه‌ها و جوهرهای مشترک ادبی در سطح بین‌المللی است و راه را برای شناخت ادبیات کشورهای دیگر می‌گشاید.

مکتب‌های ادبیات تطبیقی

مکاتب شناخته شده‌ی ادبیات تطبیقی عبارتند از: مکتب فرانسوی، مکتب آمریکایی، مکتب انگلیسی و مکتب آلمانی. از مکاتب مذکور تنها دو مکتب نخست، ویژگی‌های بارز و متفاوتی دارند و قابل بررسی جداگانه‌اند. مکتب‌های انگلیسی و آلمانی، در بیشتر موارد به مکتب فرانسوی نزدیکند یا تنها در برخی موارد، اندک تفاوتی با آن دارند. به همین دلیل در بیشتر تحقیقات پیرامون مکتب‌های ادبیات تطبیقی، دو مکتب فرانسوی و آمریکایی مورد بررسی قرار می‌گیرند.

مکتب ادبیات تطبیقی فرانسه: این مکتب، ادبیات تطبیقی را به مطالعه‌ی ارتباط‌های ادبی دو یا چند قوم، ادیب یا اثر ادبی منحصر می‌کند (محمدی، ۱۳۸۸: ۵۹). نظریه‌پردازان فرانسوی، ادبیات تطبیقی را

شاخه‌ای از تاریخ ادبیات به حساب می‌آورند و وظیفه‌ی پژوهشگر ادبیات تطبیقی را بررسی روابط ادبی بین فرهنگ‌های مختلف-عمدتاً فرانسه و سایر فرهنگ‌ها- می‌دانند (انوشیروانی، ۱۳۸۹: ۱۲). از دیدگاه ادبیات تطبیقی فرانسوی، اثبات روابط تاریخی بین آثار ادبی که به زبان‌های مختلف نگاشته شده‌اند، شرط مسلم و قطعی ورود به عرصه‌ی پژوهش‌های ادبیات تطبیقی است. (همان: ۱۲). از نظریه‌پردازان این مکتب می‌توان به کسانی چون؛ ام.اف. گویار، پل وان تیگم، ایوشورل اشاره کرد. (محمدی، ۱۳۸۸: ۶۰). به اعتقاد این گروه بر خلاف مکتب ادبیات تطبیقی آمریکایی، بررسی رابطه‌ی ادبیات و سایر هنرها در حوزه‌ی ادبیات تطبیقی جای نمی‌گیرد.

مکتب ادبیات تطبیقی آمریکایی: این مکتب، علاوه بر مطالعه‌ی ارتباطات ادبی بین فرهنگ‌های مختلف، ادبیات تطبیقی را در ارتباط تنگاتنگ با سایر رشته‌های علوم انسانی و هنرهای زیبا مانند تاریخ، فلسفه، ادیان، پیکر تراشی، نقاشی و سایر هنرها می‌بیند. (همان: ۱۳). اما به اعتقاد فرانسوی‌ها مقایسه‌ی بین ادبیات و سایر هنرها در حوزه‌ی موضوع‌های ادبیات تطبیقی جای نمی‌گیرد این بدان معنا نیست که فرانسوی‌ها، مقایسه‌ی ادبیات با هنرها را نمی‌شناسند؛ فرانسوی‌ها با گونه‌های متعددی از این پژوهش آشنا هستند، اما آن را جزء موضوع‌های این دانش به شمار نمی‌آورند (کفافی، ۱۳۸۲: ۱۷). بر این اساس حوزه و دامنه‌ی ادبیات تطبیقی مکتب آمریکایی وسیع‌تر از مکتب فرانسوی است.

بن مایه

بن مایه را به صورت‌های مختلفی تعریف و توصیف کرده‌اند از جمله این تعریف‌ها به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

«بن مایه یا موتیف در ادبیات عبارت است از درون مایه، تصویر، خیال، اندیشه، عمل، موضوع، وضعیت و موقعیت، صحنه، فضا، رنگ یا کلمه و عبارتی که در اثر ادبی واحد یا آثار ادبی مختلف تکرار شود» (میرصادقی، ۱۳۷۷: ذیل بن مایه).

«بن مایه، درون مایه، شخصیت یا الگوی معینی که به صورت گوناگون در ادبیات و هنر تکرار می‌شود» (داد، ۱۳۷۵: ذیل بن مایه). در ادامه‌ی این تعریف با ذکر مثالی می‌افزاید: بن مایه، همچنین به عنصری تکراری در یک اثر ادبی گفته می‌شود. برای نمونه، در داستانی که درون مایه‌ی آن بر ویرانگری انسان محروم از عشق استوار است و عشق را نمی‌شناسد، ظاهر شدن گاه و بی‌گاه زنی که فرزندش را گم کرده است، بی‌آنکه ارتباطی با پیرنگ داستان داشته باشد، می‌تواند بن مایه‌ی داستان باشد.

«بن‌مایه، عبارت است از یک مفهوم، یک تصویر، یک رویداد، یا یک کهن‌الگو که در داستان مرتباً تکرار می‌شود و به غنای زیباشناختی اثر می‌افزاید، در داستان پریان این بن‌مایه می‌تواند اشخاص و حیوانات مانند اسب، جادوگر، یا شاهزاده باشند» (مقدادی، ۱۳۸۸: ۲۸۱).

«هر یک از اندیشه‌های حاکم در یک اثر ادبی یک موتیف (Motif) است و الگوی معینی که به صورت گوناگون در ادبیات تکرار شود». (Cuddon, ۱۹۷۹: ۴۰۵).

از میان تعاریف بالا چنین می‌توان نتیجه گرفت که بن‌مایه مفهوم، موضوع، اندیشه، درون‌مایه، واژه یا ترکیب تکراری است که در آثار ادبی یک دوره یا مجموعه‌ی آثار یک نویسنده یا شاعر و داستان‌نویس تکرار می‌شود. هر اثر ادبی یا مجموعه‌ی آثار ادبی شاعر یا نویسنده‌ای دارای وحدت فکری یا زبانی یا بلاغی خاصی است؛ شناسایی این موضوع‌ها و دسته‌بندی نظام فکری و زبانی و تعیین بسامد هریک از آنها منجر به ظهور بن‌مایه می‌شود. مثلاً یکی از بن‌مایه‌های شعر مشیری در کنار بن‌مایه‌های دیگر، مفهوم مهر و عشق است که در غالب اشعارش تکرار شده است و شاعر در تمام شعرهایش توجه خاصی به این مفهوم دارد. شناسایی بن‌مایه‌ها در شعر شاعران باعث درک بهتر اندیشه و نظام فکری شاعر می‌شود. برای آشنایی بیشتر با مفهوم بن‌مایه، کارکرد و نقش آن در آثار ادبی به منابعی که در یادداشت‌های همین فصل اشاره کرده‌ایم می‌توان مراجعه کرد.^۴

تصویر

معنی لغوی تصویر که برابر واژه‌ی (Image) انگلیسی است به معنای بدل، کپی، عکس، مجسمه، شکل، سایه و... است. در زبان عربی صوره و در زبان فارسی خیال است. (فتوحی، ۱۳۸۵: ۳۸). اما در مباحث ادبی خیال و تصویر در برابر image/imagery به مجموعه تصرفات بیانی و مجازی اطلاق می‌شود که گوینده با کلمات تصویر می‌کند و نقشی را در ذهن خواننده یا شنونده به وجود آورد. (داد، ۱۳۹۰: ۱۳۹). تصویر و خیال می‌تواند از رهگذر زبان وصفی یا زبان مجازی و به کمک تشبیه، استعاره، نماد، حس آمیزی، کنایه، جناس‌های آوایی، تمثیل، تلمیح و سایر مجازها ایجاد شود و تصویری که ارائه می‌شود ادراکی یا غیرمجازی است. (همان: ۱۳۹). در شعر زیر شاعر با زیبایی تمام حس تنهایی را به زیبایی از راه توصیف بیان کرده است:

دیوار چیست؟

آیا بجز دو پنجره‌ی روبه‌روی هم

اما

بی منظره؟. (امین پور، ۱۳۸۹: ۲۰).

هر شاعری برای بیان موضوع‌های پیش روی خود از ابزارهایی مدد می‌جوید این ابزارها برای تأثیر بیشتر در مخاطب به کار گرفته می‌شوند و به اصطلاح، سخن را با ابزار شاعرانه با در نظر گرفتن و یا اقتضای حال و مقام مخاطب بیان می‌کنند. مشیری و درویش برای بیان موضوع‌های شعر خود از شگردهای چندی از جمله تشبیه، نماد، تناسب، کنایه، حس آمیزی و تمثیل در غالب تصاویر متعدد استفاده می‌کنند در ادامه با ذکر نمونه‌هایی این شگرد را مورد تحلیل و بررسی قرار خواهیم داد.

زندگی‌نامه‌ی مشیری

«در سال ۱۳۰۵ خورشیدی در تهران دیده به جهان گشود. دوره‌ی ابتدایی و متوسطه را در مشهد و تهران به پایان برد و چندی هم در رشته‌ی ادبیات در دانشگاه تهران به تحصیل ادامه داد. سپس به وزارت پست و تلگراف و تلفن به کار مشغول شد. از هجده سالگی اشعار او به طور پراکنده در مطبوعات انتشار یافت. مشیری هر چند شعر اجتماعی نیز سروده است، اشعارش به طور کلی بیشتر روح و لحن غنایی دارد. اوصاف بکر و پر معنی و زبانی بلیغ در شعر او دیده می‌شود» (حاکمی، ۱۳۷۴: ۱۴۳).

آثار مشیری

آثار مشیری به ترتیب عبارتند از: «تشنه‌ی طوفان» (۱۳۳۴)، «گناه دریا» (۱۳۵۳)، «ابر و کوچه» (۱۳۴۰)، «بهار را باور کن» (۱۳۴۷)، «از خاموشی» (۱۳۵۶)، «مرورید مهر» (۱۳۶۴)، «آه باران» (۱۳۶۷)، «از دیار آشتی» (۱۳۷۱)، «با پنج سخن سرا» (۱۳۷۲)، «لحظه‌ها و احساس» (۱۳۷۵)، «آواز آن پرنده‌ی غمگین» (۱۳۷۷)، «تا صبح تابناک اهورایی» (۱۳۷۹). کلیات اشعار وی در دو جلد با نام «بازتاب نفس صبح‌دمان» از سوی نشر چشمه به چاپ رسیده است.

مراحل شعری مشیری

فریدون مشیری با انتشار سه مجموعه‌ی تشنه‌ی طوفان (۱۳۳۴)، گناه دریا (۱۳۳۵)، و نیافته (۱۳۳۶) در قالب چهارپاره به ارائه‌ی شعری غنایی و عاشقانه و جوان پسند می‌پردازد که با گونه‌ای درد و غم رقیق درهم آمیخته و به سرخوردگی‌ها و ناکامیهای دنیای جوانی بسیار نزدیک شده است بی‌آنکه حرکت و پویای لازم را از خود نشان دهد (یاحقی، ۱۳۸۷: ۷۳). «تشنه‌ی طوفان» آغاز راه شاعری اوست، مشیری در مقدمه‌ی کتاب بازتاب نفس صبح‌دمان می‌نویسد: این اثر «بیشتر حدیث نفس بود» (مشیری، ۱۳۹۰: ۷). کتاب «تشنه‌ی طوفان» محصول انزوایی است که شاعر جوان، در جامعه‌ی سکوت، لحظه‌های خلاقیت

خود را در آن ثبت کرده است (شاکری یکتا، ۱۳۸۴: ۱۹۲). در مجموعه‌های بعدی او یعنی ابر (۱۳۴۰)، و بهار را باور کن (۱۳۴۷) همان روند قبل را پیش می‌گیرد در حالی که در محتوای شعر وی نوعی پختگی و کمال فکری و فلسفی با گوشه‌ی چشمی به مسائل رقیق اجتماعی، قابل تشخیص است (جویبار لحظه‌ها: ۷۳). در دفتر «بهار را باور کن» مشیری خود را یافته و مثلث طبیعت، مهرورزی و انسان در این اثر شکل کامل خود را یافته است (زرقانی، ۱۳۸۳: ۴۷۹). در «از خاموشی» زمینه‌ی اصلی شعرها، نیمایی است، زبان شعرها هم هویت مشیری گونه‌ی خود را یافته است و هم اندیشه‌های اجتماعی و غنایی در این مجموعه مطرح شده است. (همان: ۴۸۱). در مجموعه‌های بعدی او یعنی ابر و کوچه (۱۳۴۶)، بهار را باور کن (۱۳۴۷)، پرواز با خورشید (۱۳۴۸)، که از نظر قالب و فرم متمایل به شیوه و سبک نیمایی است و گرایش‌های اجتماعی بیشتری دیده می‌شود.

نگاهی کلی به شعر و اندیشه‌ی مشیری

مشیری در آغاز، در سرودن شعر از شیوه‌ی سنتی پیروی می‌کرد و در این شیوه غزل‌های ناب و ارزنده‌ای از خویش برجای گذاشت، و از آن پس شیوه‌ی تازه‌ای برگزید و بی‌آنکه پیوند خود را با شیوه‌ی گذشته رها کند. مشیری راجع به ماهیت شعر می‌نویسد: شعر از دیدگاه من، کشف نکته یا رازی یا بیان حالتی از جهان هستی از انسان و دیگر موجودات، از طبیعت، از اشیا و روابط این‌ها با یکدیگر و همچنین تبلور جلوه‌های گوناگون عواطف و احساسات انسانی است درباره‌ی زندگی، عشق، مرگ، و مسائل دربرگیرنده‌ی این عوامل از ازل تا ابد و هزاران رمز دیگر. شاعر کسی است که بیش از همه می‌تواند به ذات جهان هستی، طبیعت، موجودات و اشیا نزدیک شود. شعر باید شوری، شوقی، حالی، تأثیری، نیرویی، غروری در ذهن، در جان و در وجود من برانگیزد؛ باید مرا شگفت زده کند، هست کند، بیدار کند، کشف شاعر باید مرا از من برابرد... (صبور، ۱۳۷۸: ۵۵۱). «به نظر من در مرکز شعر مشیری مثلثی هست که سه زاویه‌ی آن را عشق و مهرورزی، طبیعت‌گرایی، و انسان تشکیل می‌دهد. این مثلث بر شعر او هویت می‌دهد و برای پیکره‌ی شعر او همچون مغزی است که تمام سلسله اعصاب و رگ و پی شعرش تحت تأثیر آن است». (زرقانی، ۱۳۸۳: ۴۷۸).

شعر زیر از مشیری می‌تواند بر این سخن زرقانی صحه گذارد:

«من زندگی را دوست دارم/ انسان و باران و چمن را می‌ستایم / ... در این گذرگاه/ بگذار خود را گم کنم در عشق، عشق...» (مشیری، ۱۳۹۰: ۹۱۶-۹۱۷). شعر مشیری برخاسته از نگرش‌های عاشقانه و عاطفه‌ی پاک و زلال او به طبیعت و انسان‌ها و رویدادهای اجتماعی است. (خلخالی، ۱۳۳۳: ۵۵۵). شعر

مشیری می خواهد دو ساحت مهرورزی و جامعه گرا بودن را با هم درآمیزد، او در اندیشه‌ی فلاح جامعه است اما نه از طریق دعوت به مبارزه که از راه دعوت به مهرورزی آدیان به یکدیگر، این وجه شاخص

دنیای شاعرانه مشیری است. (زرقانی، ۱۳۸۳: ۴۷۹)

«دلم می خواست سقف معبد هستی فرو می ریخت

پلیدی‌ها و زشتی‌ها، به زیر خاک می ماندند

بهاری جاودان آغوش وا می کرد

جهان در موجی از زیبایی و خوبی شنا می کرد!

بهشت عشق می خندید

به روی آسمان آبی آرام،

پرستوهای مهر و دوستی پرواز می کردند

به روی بام‌ها، ناقوس آزادی صدا می کرد...». (کلیات اشعار، همراه حافظ: ۳۶۸).

دعوت به عشق و مهر، دوستی و امید، توصیف فضاهای آشنا و قابل لمس در سروده‌های او جایگاهی

آشکار دارد و مشکل جهان خویش را با نوشداروی عشق درمان می کند:

«به خارزار جهان، گل به دامنم، با عشق

صفای روی تو، تقدیم می کنم، با عشق

درین سیاهی و سردی بسان آتشگاه،

همیشه گرم همواره روشنم با عشق

همین نه جان به ره دوست می فشانم شاد،

به جان دوست که غمخوار دشمنم، با عشق

به دست بسته‌ام ای مهربان نگاه مکن

که بیستون را از پا درافکنم، با عشق

دوای درد بشر یک کلام باشد و بس

که من برای تو فریاد می زنم: با عشق...». (همان: ۱۰۷۳-۱۰۷۴).

شمس لنگرودی در تاریخ تحلیلی شهر نو نیز مشیری را همردیف نادر نادرپور قرا می دهد که اشعارش

سرشار از احساس‌ها، همراه تصویرهای روان و با معیارهای نو قدمایی و معتدل است که عمدتاً در قالب

دوبیتی‌های پیوسته سروده می شود (شمس لنگرودی، ۱۳۷۷: ۱۵۵-۱۵۶).

شفیعی کدکنی راجع به شعر مشیری می نویسد: اکنون نزدیک به نیم قرن است که شعر دوستان ایرانی و فارسی زبانان بیرون از مرزهای ایران، با شعر مشیری زیسته‌اند و گریسته‌اند و شاد شده‌اند و هنر او را که در گفتار و رفتار یکی از نگاهبانان حرمت زبان فارسی و ارزش‌های ملی است، تحسین کرده‌اند (همان: ۵۵۲).

دوره‌ای که مشیری در آن می‌زیست جهان با چالش و پیامدهای حادث جنگ جهانی دوم روبرو می‌شد ازین رو بیشتر روشنفکران و شاعران آن زمان ازین قضیه انتقاد کرده‌اند. یاحقی می‌نویسد: جلب علاقه‌ی روشنفکران ایرانی به موضوعات اجتماعی و توجه زیاد به مسائل سیاسی و اجتماعی برون مرزی و جریان حادث جهانی مثل جنگ دوم و پیامدهای ناگوار آن و مسأله‌ی ویتنام در دهه‌ی سی و چهل به شعر کسانی مانند مشیری هم سرایت کرد، چنان که یکی از مشهورترین و شعاری‌ترین شعرهای این دوره در مورد جنگ یعنی «مرگ انسانیت» سروده‌ی اوست (یا حقی، ۱۳۸۷: ۸۰).

اگر چه شعر فریدون مشیری تغزلی و احساس‌گراست، از جنبه‌های اجتماعی و بیان عشق به حقیقت و وجدان پاک انسانی نیز، خالی نیست. نقدی که عبدالحسین زرین‌کوب بر مجموعه‌ی «از دیار آشتی» نوشته است، تقریباً بر کل اشعار مشیری از نظر فرم و محتوا نیز صدق می‌کند؛ زرین‌کوب درباره‌ی «از دیار آشتی» می‌نویسد:

«فریدون مشیری شاعری نوپرداز است، با اندیشه‌های نو و آفرینش نو. با این حال نوپردازی او نشانی از ناآشنایی با سنت‌های شعر فارسی نیست. با این سنت‌ها آشنایی دارد و از همین روست که در حق پیش‌آهنگان شعر فارسی گستاخ‌روی و شوخ‌چشمی نمی‌کند. فریدون از آنچه رویدادهای هر روزینه نام دارد فاصله نمی‌گیرد و با این حال شعرش تنها شعر «روز» نیست. شاید در «ناخودآگاه» هشیار او این نکته وی را هشدار می‌دهد که در هنر و ادب هر چه «تنها» به «روز» تعلق دارد، هم با روز، پایان می‌گیرد و به «ماورای» آن نمی‌رسد، با این همه آنچه را نیز تعلق به «روز» دارد وی از دیدگاه روزگاران می‌نگرد و این نکته «روز» او را با روزگاران پیوند می‌دهد. فریدون ناروایی‌های یک محیط بی‌شفقت، و تقریباً بی‌فردا را که محیط روز او - روزهای امروز و دیروز - اوست با لحنی که به قدر کافی رساست بی‌نقاب بیان می‌کند. سختی و قحطی و نایمی روزهای جنگ را از دیدگاه انسان و فردا می‌نگرد. بی‌روی و ریا عشق را می‌ستاید، انسان را می‌ستاید و ایران را که جان او به فرهنگ آن بسته است دوست می‌دارد. او همچنان نجابت و احساس و صدق و صفای شاعرانه‌اش را که شایسته و نشانه‌ی هنرمند واقعی است حفظ می‌کند،

مثل همان سال‌های جوانی سادگی خود را پاس می‌دارد، عشق خود را زمزمه می‌کند و از دیار دوستی، از دیار آشتی پیام انسانیت را در گوش ما می‌خواند:

«شرمنده از خود نیستم گر چون مسیحا

آنجا که فریاد از جگر باید کشیدن

من با صبوری بر جگر دندان فشردم

اما اگر پیکار نابخردان را

شمشیر باید می‌گرفتم

بر من مگیری، من به راه مهر رفتم

در چشم من شمشیر در مشت

یعنی کسی را می‌توان کشت!» (کلیات اشعار مشیری، ۱۶۳۸: ۱۳۹۰-۱۶۴۱ و مجله کلک، شماره‌های ۴۵-۴۶ آذر و دی ۱۳۷۲).

مشیری عاشق زیبایی‌هاست از طبیعت و شعر و موسیقی و نقاشی و خط زیبا. ستایشگر خوبی و پاکی و زیبایی و نیکی و مهربانی و فضیلت و طبیعت است. با نگاه ژرف‌بین و تازه‌یاب خود زیبایی‌ها را می‌یابد و می‌ستاید: «شکوفه و چمن و نور و رنگ و عطر و سرود/ سپاس و بوسه و لبخند و شاد باش و درود/ به پرستو، به گل، به سبزه درود!». شعر وی سرشار از نور مهربانی و ستایش روشنایی است. و می‌توان گفت راز ماندگاری شعر وی همین پویایی و حس سرزندگی و امید است:

«ما عاشقان نور و بهار و پرنده‌ایم

شب، بوسه می‌فرستیم

مهتاب نازنین را

با صبح می‌ستاییم

مهر گل آفرین را». «مشیری نه تنها زیباییها را می‌ستاید، در میان آنها درس مهر و دوستی و مهربانی به ما می‌دهد بی‌شک کسی می‌تواند سفیر مهربانی باشد که خود اسوه‌ی مهربانی باشد و به حق می‌توان مشیری را اسوه‌ی مهربانی و دوستی و محبت دانست:

«در این گذرگاه

بگذار خود را گم کنم در عشق

بگذار از این ره بگذرم با دوست، با دوست». (دهباشی، ۱۳۷۸: ۱۲۸-۱۲۹).

زندگی نامه‌ی محمود درویش

«محمود درویش، شاعر پیشگام و نامی فلسطین، را به حق می‌توان از جمله‌ی شاعران جهانی دانست که با وجود داشتن موضوع و مضمونی ناب و نهادین در شعر، به شعریت محض در بازآفرینی و بیان و اصالت هنری در خلق اثر، سخت اعتقاد دارند. به همین سبب، درون‌مایه و محتوای شعر او در افق زمان و مکان دامنه‌ی تنگ برهه و اقلیم محصور نمی‌ماند. محمود درویش که نماد شعر مقاومت شناخته شده است و خود آزاد از رنگ تعلق به هر صفت و خصیلتی که ناقدان برای او برشمرده‌اند مفتون و مجذوب جوهره‌ی شعر بود. در ۱۳ مارس ۱۹۴۱ میلادی در روستای بروه در شرق عکا در منطقه‌ی الجلیل در فلسطین متولد شد و در هفت سالگی، ناگزیر از ترک خانه و دیار و تحمل رنج آوارگی به مدت نزدیک به یک سال با خانواده در لبنان شد. پس از بازگشت در سال ۱۹۴۹ که روستای او یکسره منهدم و بر ویرانه‌های آن دهکده‌ای به نام «أحی هود» برپا شده بود، تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در روستای دیر الاسد سپری کرد. در جوانی در حیفا به سر برد و از آن هنگام به بعد به فعالیت سیاسی، خاصه نوشتن مقالات و چاپ اشعار در نشریاتی چون *الاتحاد و الجدید*، پرداخت و به سبب همین فعالیت‌های سیاسی و ادبی، از ۱۹۶۱ تا ۱۹۶۷، علاوه بر اقامت اجباری، پنج بار به زندان محکوم شد. از طریق زبان‌های انگلیسی و عبری با ادبیات و شعر جهان آشنایی یافت و از همان دوران آغازین شاعری، از بزرگان شعر مقاومت فلسطین شد. در ۱۹۷۱ به مسکو رفت و پس از یک سال تحصیل در اقتصاد سیاسی، به قاهره رفت و در روزنامه‌ی معروف *الاهرام* به نویسندگی اشتغال یافت. در ۱۹۷۳ به بیروت رفت و در آنجا رئیس مرکز پژوهش‌های فلسطینی و سپس سردبیر مجله‌ی مسائل فلسطین شد. در ۱۹۸۱ فصلنامه‌ی مهم *الکرمیل* را تأسیس کرد. به سبب نارسایی قلبی، پس از دو عمل جراحی در قلب که بار اول در ۱۹۸۴ در وین و بار دوم در ۱۹۹۸ در پاریس انجام داده بود، در ۶ اوت ۲۰۰۸ ناچار از سومین عمل در هیوستن در تگزاس آمریکا شد و پس از سه روز، در شنبه ۹ اوت ۲۰۰۸ در گذشت و چند روز بعد طی مراسم پرشکوهی در رام‌الله به خاک سپرده شد» (اسوار، ۱۳۸۹: ۱۱ و ۱۲).

آثار محمود درویش

نام مجموعه‌های شعری محمود درویش به ترتیب عبارتند از:

عصافیر بلا أجنه^۱ (۱۹۶۰)، أوراق الزیتون^۲ (۱۹۶۴)، عاشق من فلسطین^۳ (۱۹۶۶)، آخر الیل^۴ (۱۹۶۷)، العصافیر تموت فی الجلیل^۵ (۱۹۶۹)، حبیبی تنهض من نومها^۶ (۱۹۷۰)، أحبك أولا أحبك^۷

^۱ - گنجشک‌های بی‌بال